

# جلال‌زاده از تدوین ما نیفست گفت، علوی‌تبار از جبهه استعفا کرد

## اصلاحات در مسیر آینده

دیروز جمعه بود و این یعنی به همین سرعت، يك هفته از انتخابات گذشت؛ همین‌طور که به چشم برهم زدني، بازه زمانی 70 ماهه از انتخابات هفته آغازین اسفند ماه 98 تا همین انتخابات هفته پایانی خرداد ماه 1400 گذشت، بی‌آنکه گامی عملیاتی و جدی برداشته شود در مسیر رفع عیب و ایرادهایی که در سطوح و شوون گوناگون آن انتخابات به روشنی به چشم آمد. اشکال و ایرادهایی که از بای بسم‌الله تا تاي تمت گریبانگیر نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی است اما آنچه به خصوص منتقدان در جناح چپ و طیف موسوم به اصلاح‌طلب نیک می‌دانند، آن است که مشکل آنان صرفاً بیرونی و مربوط به فرآیند برگزاری و نوع نظارت بر آن نیست و اگر امروز اصلاحات خود را ضعیف‌تر از هر زمان در این حدود يك دهه گذشته دریافته، صرفاً به این خاطر نیست که بر فرض شورای نگهبانی در کار است که با نظارت استصوابی‌اش، نه تنها سیدمصطفی تاجزاده، بلکه اسحاق جهانگیری و مسعود پزشکیان را هم برنمی‌تابد و حایز شرایط اولیه برای ریاست‌جمهوری نمی‌شناسند.

اصلاح‌طلبان در گذر از این تجربه ناکام انتخاباتی، اگر هیچ عایدی نیندوخته باشند، قاعدتاً به درکی روشن‌تر از فضای حاکم بر زمین سیاست ایرانی رسیده و مهم‌تر از آن، شاید فهم‌شان از چیستی و چگونگی داورى افکار عمومی نسبت به خود عمیق‌تر از شامگاه پنجمشنبه پیش از برگزاری انتخابات است. به این اعتبار درواقع باید گفت اصلاح‌طلبان حالا چندان چیزی در چنته ندارند، الا اینکه برخلاف روزهای پیش از انتخابات، چنته‌شان همچنان خالی است از توهم واقعیت و درک ناروشن از آن. آنان حالا با حقیقت سرد و تلخ و خشن و بیرحم روبه‌رویند و میدانند اگر این سالها روی کاغذ، دولتی ائتلافی را همراه‌شان داشتند و روی زمین، برای چند صباحی، يكسوم کرسی‌های مجلسی سه فراكسیوني و فاقد اکثریت را، حالا يك سال بیشتر شده که دیگر آمیدی به آن حدود يكصد کرسی پارلمانی نیست و این دو، سه ماه گرم سال هم که بگذرد، آرام‌آرام خزانی از راه می‌رسد که هر اندازه سرد یا معتدل، بی‌تردید فصل دولتمندی اصلاح‌طلبان نخواهد بود.

آنچه اما آنان به محک این تجربه انتخاباتی اخیر آموختند، فراتر از اینکه جایگاه‌شان در حاکمیت کجاست، گویای این است که پایگاه‌شان در جامعه کجاست و مهم‌تر، این پایگاه تا چه میزان پیوسته و پایسته است و تا چه اندازه پایدار و پای کار اصلاحات! اگر يك هفته پس از انتخابات ریاست‌جمهوری 1400

و 70 هفته بعد از انتخابات مجلس اسفند ماه 98، بخواهیم همچنان هفته را ملاک و معیار فاصله زمانی در نظر بگیریم، باید بگوییم که از همین امروز چیزی در حدود 140 هفته تا برگزاری اولین انتخابات فرصت باقی است و اصلاح‌طلبان اگر می‌خواهند در سریع‌ترین شکل ممکن خود را به نحوی دوباره به حاکمیت برسانند و گوشه‌ای از کار را به دست بگیرند، باید از پارلمان و «خانه ملت» شروع کنند و انتخاباتی که قاعدتا باید اسفند ماه 1402 برگزار شود.

آنچه اما آنان در گذر این حدود یک ربع قرن از آغاز دولت اصلاحات و پیدایش گفتمان اصلاح‌طلبی آموخته‌اند این است که اصلاحات اگرچه شاید بدون دراختیار گرفتن بخشی از حاکمیت ممکن نباشد اما آنچه قطعی است و بلا تردید، این است که اصلاحات بدون جامعه و در نبود پشتیبانی اجتماعی و غیاب جامعه مدنی، محال است. تا حدی که بعضا حتی به اصلاح‌طلبان توصیه می‌کنند که حضور در قدرت را یکسر رها کنند و به جامعه بازگردند. هر چند دست‌کم تا اینجا نمی‌توان با قطعیت از این گفت که اصلاحات جامعه‌محور بدین شکل افراطی و رادیکال آسیب و زیانی ندارد و هرچه هست خیر است و برکت. با این همه این نکته نیز انکارناپذیر است که اصلاحات حاکمیت‌محور، قدرت‌محور، انتخابات‌محور یا هر نامی که بر آن می‌گذارند، وقتی به صورت رادیکال مورد توجه قرار می‌گیرد و در آن افراط می‌شود، خروجی مثبتی در پی نخواهد داشت. به خصوص که اصلاحات قدرت‌محور صرف، دست‌کم در برخی مقاطع خواسته یا ناخوسته مورد نظر و الگویی عمل بوده و نتیجه‌اش به محک تجربه آزموده شده است.

آنچه اما و رای این مباحث و رویارویی نظری محل تامل است، این است که اصلاح‌طلبان نه حالا، بلکه از ماه‌ها و حتی سال‌ها پیش از برگزاری انتخابات 28 خرداد 1400 به این مهم توجه داشته و از «اصلاح‌اصلاحات» می‌گفتند و فراتر از آن، اساسا وقتی پیرو انحلال شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، اقدام به تاسیس نهادی جایگزین موسوم به «جبهه اصلاحات ایران» کرد تا نه فقط راهبری اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها را به عهده بگیرد، بلکه دست به کار تدوین «مانیفست اصلاحات» شود و از این رهگذر، در راستای بازخوانی گفتمانی و رفع و رجوع عیب و ایرادهای احتمالی گام بردارد.

نکته‌ای که حالا باید در اولویت جبهه اصلاحات قرار گیرد و اصلاح‌طلبان با اتکا به این مرام‌نامه، آن‌طور که از قضا جلال جلالی‌زاده، نماینده پیشین مجلس و از جمله چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب همین دیروز به خبرگزاری برنا گفته، علاوه بر اینکه روشن می‌کنند وقتی از اصلاحات حرف می‌زنند، از چه چیزی حرف می‌زنند، از سوءاستفاده از مفهوم اصلاح‌طلبی نیز ممانعت کنند. این عضو ارشد حزب اتحاد ملت همچنین گفته که «اگر اصلاحات بخواهد مجددا شکل بگیرد، باید شفاف، صادق و مخلص ضمن جبران اشتباهات و عذرخواهی از مردم با توبه‌ای سیاسی اعتماد کامل را در بین مردم ایجاد کند» و در ادامه مسیر نیز «با

تولید فکر جدید و همراهی بیشتر جوانان و نخبگان، جامعه را جذب کند.»

نکته‌ای که البته نیازمند حفظ ساختار و البته اعضای شاخص و توانمند جبهه اصلاحات به عنوان نهاد بالادستی در این جریان است و البته جذب نیروهای جوان و دارای توانایی اندیشگانی بالا. هر چند اصلاح‌طلبان از اینجا که يك هفته از انتخابات گذشته، هنوز نه تنها گامی در این مسیر برنداشته‌اند، بلکه آن‌طور که در خبرها آمد، دیروز علیرضا علوی‌تبار، تحلیلگر سیاسی و البته یکی از چهره‌های موثر در مسیر بازخوانی گفتمانی جریان اصلاحات از ادامه فعالیت در این جبهه استعفا کرد؛ استعفایی که البته لزوماً به معنای عدم همراهی او با این جبهه نیست و باید دید در آینده اصلاحات و اصلاح‌طلبان با چه روبه‌رو خواهند شد.

شماره: ۱۴۰۰ ۵ ۰۰۰۰۰۰۰۰